

## اتحاد کارگران و کشاورزان

المثنی و برادر مبارز کارگر در خارج از شهرها، کارگر کشاورزی است. این دو، دوجزء یک کل، و متعلق به همان طبقه هستند. منافع این دو از یکدیگر، جدائی ناپذیر است. برنامه درخواست های انتقالی کارگران صنعتی، با تغییری در اینجا و آنجا، برنامه پرولتاریای کشاورزی هم هست.

روستائیان (کشاورزان) طبقه ای دیگر را تشکیل می دهند: آنان خرده بورژوازی روستا هستند. خرده بورژوازی از قشرهای مختلف ساخته شده که از نیمه پرولتاریا شروع شده به عناصر استثمارگر خاتمه می یابد. برطبق این تقسیم بندی، وظیفه سیاسی پرولتاریای صنعتی، گسترش دادن مبارزه طبقاتی به قلمرو روستاست. تنها از این راه، پرولتاریا خواهد توانست، دوست و دشمن خود را از یکدیگر جدا کند.

ویژگی های رشد ملی هر کشوری، شگفت انگیزترین تجلی خود را در وضع کشاورزان، و تا حدودی، در وضع خرده بورژوازی شهری (افزارمندان و مغازه داران) پیدا می کند. این طبقات، هر قدر هم که از نظر تعداد نیرومند باشند، در اساس، نمودار بازماندگان اشکال تولید پیش از سرمایه داری هستند. بخش های مختلف بین المل چهارم، باید با عینیت تمام، برای روستائیان (کشاورزان) و خرده بورژوازی شهری، برنامه ای از درخواست های انتقالی تنظیم کنند؛ این برنامه باید با شرایط هر مملکت سازگار باشد. کارگران پیشرو، باید یاد بگیرند تا در برابر پرسش هایی که متحدان آیندشان از آنان خواهند کرد، پاسخ های روشن و مشخص داشته باشند.

کشاورز، ضمن اینکه به صورت یک خرده تولید کننده "مستقل" باقی می ماند، احتیاج دارد که اعتبار ارزان، ماشین های کشاورزی و کود، در حد بضاعت مالی اش

در اختیار او گذاشته شود. او نیازمند شرایط مناسب حمل و نقل است و برای محصولات کشاورزی خود، احتیاج به یک سازمان سالم بازار دارد. ولی بانک ها، تراست ها و بازرگانان، از هر طرف، او را چپاول می کنند. تنها خود کشاورزان، به کمک کارگران می توانند مانع این چپاول شوند. باید کمیته های منتخب کشاورزان خرده پا، در صحنه ملی ظهور کنند و به اتفاق کمیته های کارگری و کمیته های کارمندان بانک، کنترل حمل و نقل، اعتبار و عملیات تجاری موثر در کشاورزی را بدست بگیرند.

با برخ کشیدن کاذب در خواست های "زیاده از حد" کارگران، بورژوازی بزرگ با زبردستی تمام موضوع قیمت کالا را تبدیل به گوه ای کرده، از آن برای ایجاد نفاق بین کارگران و کشاورزان، و کارگران و خرده بورژوازی شهرها استفاده می کند. روستائی، افزارمند و خرده پا، برخلاف کارگر صنعتی، کارمند اداری و خدمات کشوری، نمی تواند براساس بالا رفتن قیمت ها، تقاضای اضافه دستمزد بکند. مبارزه رسمی حکومت با گرانی قیمت ها، فقط برای فریب دادن توده هاست. ولی کشاورزان، افزارمندان و بازرگانان، به عنوان مصرف کننده، می توانند دوشادوش کارگران در سیاست تثبیت قیمت ها دخالت کنند. مصرف کنندگان در مقابل نوحه سرانی سرمایه دار بر سر هزینه تولید، حمل و نقل و دادوستد باید از آنان بخواهند: "دفاترستان را به ما نشان بدهید، ما خواستار کنترل تثبیت قیمت ها هستیم. "ارگان های این کنترل باید کمیته تعیین قیمت ها باشد، باید این کمیته از نمایندگان کارخانه ها، اتحادیه های کارگری، تعاونی ها، سازمان های کشاورزان، "مردمان کوچک" شهری و زنان خانه دار و دیگران ترکیب یافته باشد. بدین وسیله کارگران می توانند به کشاورزان ثابت کنند که دلیل اصلی گرانی قیمت ها، نه دستمزد زیاد، بلکه سود کلان سرمایه داران و هزینه های هنگفت آتارشی سرمایه داری است.

برنامه برای ملی کردن زمین و اشتراکی کردن کشاورزی باید طوری طرح ریزی شود که از همان اساس کار، امکان سلب مالکیت از کشاورزان خرده پا، و

اشتراکی سازی اجباری آنان، از بین برود. کشاورز، تا زمانی که خود ممکن و یا لازم تشخیص می دهد، مالک قطعه زمین خود خواهد بود. برای اعاده حیثیت برنامه سوسیالیسم در دیدگاه کشاورز، لازم است که شیوه های اشتراکی سازی استالینیستی - که نه منافع کشاورز و نه منافع کارگر، بلکه منافع بوروکراسی به کار بردن آنرا ایجاب می کند- بیرحمانه افشاء گردد.<sup>۱۶</sup>

هم چنین سلب مالکیت غاصبین، به معنای ضبط اجباری دارایی افزارمندان و مغازه داران نیست. برعکس، کنترل بانک ها و تراست ها بوسیله کارگران، و از همه بالاتر ملی کردن این تأسیسات، می تواند برای خرده بورژوازی شهری، شرایط فوق العاده مناسبی برای اعتبار، و خرید و فروش ایجاد کند که در دوران تسلط لجام گسیخته انحصارات امکان پذیر نیست. وابستگی به دولت، جانشین وابستگی به سرمایه خصوصی خواهد شد و دولت، هر قدر که رنجبران آن را بیشتر در ید قدرت خود داشته باشند به همکاران خرده پا و نمایندگان آنان بیشتر توجه خواهد کرد.

شرکت عملی کشاورزان استثمار شده در کنترل زمینه های مختلف اقتصاد، بدانان اجازه خواهد داد که خود در باره اینکه کار اشتراکی بر روی زمین بنفع آنان است یا نه، تصمیم بگیرند، و وقت و حدود اشتراکی کردن را هم تعیین کنند. کارگران صنعتی

---

<sup>۱۶</sup> - شیوه های اشتراکی کردن استالینیستی - عدم توجه حزب کمونیست شوروی تحت رهبری استالین به پیشرفت صنعتی و اشتراکی کردن مزارع با آهنگی متوازن، شکاف بین صنعت و کشاورزی شوروی را هر چه وسیعتر کرد تا اینکه این به بحران اقتصادی عمیقی در سال ۱۹۲۸ منجر شد، که این خود یکی از علل اتخاذ سیاست ماوراء چپی "دوره سوم" (به یادداشت شماره ۳۲ مراجعه کنید) گردید. استالین برای مقابله با کمبود غله ناشی از این بحران به اشتراکی کردن تحمیلی وسیعی در مزارع شوروی دست زد. مخالفت دهقانان با این اقدام کشور را به سر حد فاجعه سوق داد و در سال های ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ قحطی و گرسنگی واقعی در روستا ها بوجود آمد.

باید وظیفه خود بدانند که به کشاورزان در حرکت آنان در این مسیر هرگونه مساعدت را بکنند؛ خواه از طریق اتحادیه های کارگری، خواه از طریق کمیته های کارخانه، و از همه بالاتر از طریق حکومت کارگران و کشاورزان.

اتحاد پیشنهاد شده بوسیله پرولتاریا- نه به " طبقات متوسط" بطور کلی، بلکه به اقشار استثمار شده خرده بورژوازی شهری و روستایی، علیه همه استثمارگران، منجمله استثمارگران " طبقات متوسط"- نمی تواند اجباری باشد، بلکه تنها می تواند براساس رضایت آزادانه، که بوسیله " قرارداد" ویژه ای قوام و استحکام یافته باشد، استوار گردد. این "قرارداد" برنامه درخواست های انتقالی است که بوسیله طرفین داوطلبانه پذیرفته شده است.